انترناسیونال 794

مصاحبه با حمید تقوایی

**جایگاه و دستاوردهای اعتصاب هفت تپه و اختلاف نظرات**

خلیل کیوان: در مورد اعتصاب هفت تپه عده ای معتقدند اعتصاب تمام شد و عده دیگری میگویند اعتصاب ادامه دارد. و این بحث کماکان ادامه دارد. نظر شما در این مورد چیست؟

حمید تقوائی:متاسفانه بعد از اینکه اعتصاب و اجتماعات کارگران هفت تپه با آن شدت و قدرتی که در گذشته داشت به پیش نرفت و این خبر منتشر شد که اعتصاب پایان یافته و یا موقتا پایان یافته، اختلاف نظرات زیادی در در میان فعالین و نیروهای چپ شکل گرفت. همانطور که گفتید عده ای نظرشان این بود که اعتصاب پایان یافته و عده ای معتقد بودند هنوز ادامه دارد ولی به نظر من در آن مقطع مساله در این سطح قابل جواب نبود. یعنی در شرایطی که اخبار ضد و نقیضی منتشر میشد این تصویر و ارزیابی سیاه و سفید که اعتصاب یا باید تماما پایان یافته باشد یا ادامه داشته باشد واقعیت را منعکس نمیکرد.

آنچه مسلم است اینست که از یازده آذر تفاوتی نسبت به دوره قبل در سیر اعتصاب مشاهده شد و آن تجمعات پرشور خیابانی فروکش کرد. به یک معنا این افت اعتصاب بود. از سوی دیگر مجمع نمایندگان شورای هفت تپه که این اعتصاب را رهبری میکرد بیانیه ای داد و از کارگران خواست که پیگیری خواستهایشان را به این مجمع محول کنند و به تجمعات پایان بدهند. طبیعی بود که عده ای این را به معنی پایان اعتصاب تلقی کنند. در عین حال عداه ای از کارگران مُصِر بودند که به اعتصاب ادامه بدهند و بعضی به سر کار برنگشتند. حتی در خود مجمع نمایندگان مشورت و رایزنی در مورد چگونگی ادامه اعتصاب ادامه پیدا کرد. و به این معنی اعتصاب کاملا پایان نیافت. میخواهم بگویم این سیاه و سفید که یا اعتصاب تماما پایان یافته و یا تماما ادامه دارد صورت مساله را درست مطرح نمیکند. هر اعتصاب کارگری با افت و خیزهائی همراه است. اعتصاب فراز و فرود دارد، مقاطع و نقطه عطفهای مختلفی دارد و باید این روند را واقع بینانه دید و منعکس کرد. کسانی که اعلام کردند اعتصاب پایان یافته بخاطر بیانیه ای بود که با امضای مجمع نمایندگان شورای هفت تپه منتشر شد. همانطور که اشاره کردم بیانیه گفته بود که پیگیری خواستها را به ما واگذار کنید و از تجمع خودداری کنید. دو روز بعد از این بیانیه حکومت و ایادی وزارت کار و امام جمعه و همچنین کاظمی مدیر جدید نیشکر هفت تپه با یک طرح و توطئه از پیش سازمان یافته به محل رفته و اعلام کردند اعتصاب تمام شد و سوت شروع کار را زدند و کارگرانی که در اتوبوسها نشسته بودند تا برای تجمع به مرکز شهر بروند مردد شدند، بخشی به سر کار برگشتند و بعضی هم برنگشتند و این وضعیت پیش آمد. به این خاطرست که میگویم واقعیت سیاه و سفید نیست و تمام شد یا تمام نشد کل واقعیت را منعکس نمیکند. به نظر من طرح مساله در این چهارچوب به جائی نمیرسد. نکته اساسی اینست که مبارزه کارگران هفت تپه ادامه دارد و کارگران از خواستهایشان دست نکشیده اند. کارگران خواستار آزادی بخشی بودند و همچنین بر دیگر خواستهای برحقشان پافشاری میکنند و بنابرین ختم اعتصاب به معنی پایان مبارزه و یا افت مبارزه و شکست مبارزه نیست. اعتصابات شروعی دارند و پایانی دارند. و این اتفاق بسیار طبیعی است که اعتصابی بدون رسیدن به همه خواستهایش بپایان برسد. بنابرین این تلقی که پایان اعتصاب یعنی شکست اعتصاب، یعنی اعتصاب شکنی و غیره این پوچ است. همچنان که پافشاری بر اینکه هیچ اتفاقی نیفتاده و اعتصاب ادامه دارد و ادامه خواهد داشت و غیره این هم پوچ است. ما در برخورد به طرح سیاه و سفید اتمام یا ادامه اعتصاب موضع سومی داریم و فکر میکنیم این موضع واقع بینانه و درست است. این موضع که اعتصاب در یازده آذر که پایان آن اعلام شد نه کاملا تمام شده بود و نه همچنان ادامه داشت. ولی مبارزه کارگران هفت تپه به هیچوجه متوقف نشد و همچنان ادامه دارد و اعتصاب اخیر تنها یک اپیزود و مرحله ای از یک مبارزه طولانی تر و مستمر تر است. همه کارگران هفت تپه پای مطالباتشان ایستاده اند و خواستهایشان را به اشکال مختلف دنبال خواهند کرد.

خلیل کیوان: در همین رابطه حزب دو اطلاعیه صادر کرد. در اطلاعیه اول همینطور که شما توضیح دادید اعلام کرد که اعتصاب موقتا پایان یافته. ولی بلافاصله روز بعد اطلاعیه ای منتشر کرد و از قول مجمع نمایندگان کارگران گفت بحث و رایزنی در مورد چگونگی پیشبرد مبارزه و اعتصاب ادامه دارد. در این رابطه چه نظری دارید؟ چرا دو اطلاعیه؟

حمید تقوائی: اطلاعیه اول بر اساس اطلاعاتمان در همان روز بود. و براین مبنا اعلام کردیم اعتصاب موقتا پایان یافته است. ولی فکر میکنم حتی این هم دقیق نبود و در اطلاعیه دوم که مبتنی بر اطلاعات دقیق تر و بیشتری بود این را توضیح دادیم. موضع درست این بود که عده ای سر کار رفتند ولی اعتصاب و بحث و رایزنی بر سر چگونگی آن دامه دارد. واقعیت هم این بود. و دیدیم که کارگران چند روز بعد با خواست آزادی بخشی باز دست به تجمع زدند. در خود مجمع نمایندگان هم بحث و رایزنی در این مورد که چه باید کرد ادامه داشت.

واقعیت اینست که دستگیری بخشی که نقش تعیین کننده ای در تصمیمگیری ها و ادامه اعتصاب داشت ضربه محکمی به شورای هفت تپه و مجمع نمایندگانش بود. از طرف دیگر ایادی حکومت و افرادی که در هر حال ربطی به شورای هفت تپه نداشتند بعنوان بخشی از مجمع نمایندگان و یا جمعی از کارگران هفت تپه درمدیای اجتماعی و در کانالهای فعالین هفت تپه اخبار و نظرات ضد و نقیض زیادی منتشر کردند. و کل این شرایط به وضعیتی منجر شد که داریم می بینیم.

در هر حال اطلاعیه دوم را ما با اطلاعات بیشتری صادر کردیم و گفتیم که اطلاعیه اول بر اساس اطلاعات اولیه بوده است و بنا به اطلاعات تازه عده ای از کارگران به سر کار نرفته اند. این بحث هم مطرح شد که آیا تعداد کسانی که به سرکار برگشته اند بیشتر است و یا کسانی که نرفته اند. به نظر من این مقایسه عددی و کمی هم جایگاهی ندارد. مهم اینست که کارگران هفت تپه به همراه نمایندگانشان در تمام مدت اعتصاب بطور همبسته و پیگیر بر خواستهای بر حقشان پافشاری کردند و ما در اطلاعیه هایمان بر این انگشت گذاشتیم که مبارزه کارگران هفت تپه مستقل از اینکه در این فاز مبارزه چه اتفاقی بیفتد در هر حال ادامه دارد. به نظر من ١١ آذر که همانطور که گفتم نیروهای وابسته به رژیم به محل کار رفتند و شیپور شروع کار را زدند بالاخره نقطه عطفی در روند اعتصاب کارگران هفت تپه بود. میشود گفت در روند افت و خیزها یک نقطه افت بود. ولی این نه به معنی پایان کامل اعتصاب بود و نه به این معنی که کارگران هفت تپه تسلیم شده اند و یا شکست خورده اند. اینطور نیست که حتی کارگرانی که سر کار رفتند به همه چیز رضایت داده اند و دست از خواستهایشان شسته اند، تسلیم شده اند، با روحیه شکست به سر کار بازگشته اند و غیره. بهیچ وجه اینطور نیست.

این را هم بگویم که در جوامعی مثل ایران اعتصاب شبیه کشورهای صنعتی و کشورهای غربی نیست که بالاخره کارگران حقوقی بدست آورده اند، حق تشکل و حق اعتصاب دارند، اتحادیه های بزرگ کارگری وجود دارند، قوانینی در مورد اعلام اعتصاب و ختم اعتصاب هست، اعتصاب رسما آغاز میشود و اتحادیه با دولت و کارفرما وارد مذاکره میشود و توافقاتی صورت میگیرد و یک روز هم ختم اعتصاب رسما اعلام میشود. در جامعه ای نظیر ایران هیچ یک از این شرایط وجود ندارد و این اتفاقات نمی افتد. در جوامعی نظیر ایران همه اعتصابات بقول غربی ها "اعتصاب وحشی" هستند. همه اعتصابات غیر قانونی اند چون قانون حق تشکل و حق اعتصاب را به رسمیت نمی شناسد و اگر هم در قانون اشاره الکنی به اینها شده عملا هیچوقت اجرا نمیشوند. بنابرین این کاملا ممکن است که پایان و حتی آغاز اعتصاب امری رسمی و اعلام شده و با تعیین یک روز و تاریخ معین نباشد. البته خیلی بهتر است که یک اعتصاب با تصمیم کارگران و با بیانیه و اعلامیه ای در مورد اعتصاب و نتایج و دستاوردهایش و خواستهای برآورد شده، و نشده، و اینکه کی و در چه صورتی اعتصاب را از سر میگیریم و غیره پایان پیدا کند تا اینکه به نوعی محو بشود و زوال پیدا کند. و در نتیجه این نوع بحثها پیش بیاید. متاسفانه اعتصاب هفت تپه این شکل را پیدا کرد. اگر مجمع نمایندگان اطلاعیه ای میداد، ارزیابی و جمعبندی خودش از اعتصاب یک ماهه را بیان میکرد و مثلا میگفت اعتصاب را پایان میدهیم چون این خواستها را گرفته ایم و کماکان بدنبال خواستهای دیگرمان - نظیرآزادی بخشی – هستیم و اگر در مدت معینی این خواستها متحقق نشود به این یا آن شکل معین مبارزه مان را ادامه میدهیم و غیره، این نوع ختم اعتصاب به وحدت و اتحاد کارگران کمک میکرد و انسجامشان را حفظ میکرد. این اتفاق نیفتاد و یکی از نتایج منفی اش این بود که بین نیروهای مختلف در خود جنبش کارگری و حتی در خود مجمع نمایندگان و در میان نیروهای چپی که مسائل کارگری را دنبال میکنند جدل و بحثهائی در گرفت که به آنها اشاره کردیم. در هر حال مهم اینست که مستقل از بحث ادامه یا عدم ادامه این اعتصاب معین مبارزه کارگران هفت تپه ادامه دارد و کاملا ممکن است در آینده اعتصابات وسیع تر و قوی تری را در هفت تپه شاهد باشیم.

خلیل کیوان: در مورد اعلامیه های حزب صحبت کردیم اما مجدد میخواهم به اعلامیه ها برگردم. بعد از انتشار اعلامیه حزب عده ای از نیروها و فعالین چپ حملات تندی را شروع کردند و گفتند این اعتصاب شکنی است. نظرتان در این مورد چیست؟

حمید تقوائی: این پوچ است. به نظر من این نوع حملات بهیچوجه موضعی که بشود حتی پنج دقیقه از آن دفاع کرد را نمایندگی نمیکند. اصولا اعتصاب شکنی بوسیله یک نیروی سوم بی معنی است. هیچکسی نمیتواند اعتصاب کارگران هفت تپه را بشکند غیر از خود جمهوری اسلامی. و کسی که اعتصاب شکنی را منسوب میکند به تشکلها و چهره های جنبش کارگری و یا نیروهای کمونیست و چپ مثل حزب ما، به نظر من دانسته یا ندانسته آب به آسیاب حکومت میریزد. همانطور که گفتم با یک نقشه از پیشی و دسیسه پیچیده ای با همکاری مقامات محلی و مقامات سراسری وزارت کار و تشکلهای زرد کارگری و امام جمعه و غیره و کاظمی مدیر جدید سوت پایان اعتصاب را کشیدند. در این میان اطلاق اعتصاب شکن به نیروهائی غیر از حکومت و ایادی اش فقط میتواند به این دسیسه جمهوری اسلامی کمک کند. هر نیتی که داشته باشند معنی عملی کارشان اینست.

اعتصاب کارگران هفت تپه به هیچ حزب و نیروی سیاسی ای ربط نداشت. خود کارگران هفت تپه شورا و مجمع عمومی تشکیل دادند و رهبر لایقی به اسم اسماعیل بخشی داشتند و این اعتصاب را سازمان دادند و به پیش بردند. اتمامش هم در خود هفت تپه اتفاق افتاد بدنبال دسیسه های جمهوری اسلامی و با بحثی که بر سر بازگشت به سر کار توانستند در میان کارگران دامن بزنند. به نظر من کسی در این حرکت اعتصاب شکن نبود و این برچسب اعتصاب شکنی فقط از این توهم ناشی میشود که گویا این اعتصاب قرار بوده همچنان تا پیروزی کامل به پیش برود. لابد بعد هم به یک قیام تبدیل بشود و کل کارگران هفت تپه و کارگران ایران را آزاد کند. وقتی کسانی دیدند این سناریو و تصویر خیالی متحقق نشد و اعتصاب تمام شده و با بخشا تمام شده و یا در هر حال با آن قوت و شدتی که آنها در نظر داشتند به پیش نمیرود بدنبال این گشتند که یک مجرم پیدا کنند. مجرم کیست؟ کسانی که گفته اند اعتصاب تمام شده و حتی موقتا تمام شده! همانطور که توضیح دادم این اتهامزنی نه به واقعیات ربطی دارد و نه به منافع جنبش کارگری. نیروئی که به اعتصاب کارگران هفت تپه ضربه زد و همانطور که گفتم نقطه افتی به آن تحمیل کرد جمهوری اسلامی و نیروهای وابسته به او است و بس.

خلیل کیوان: اتحادیه آزاد کارگران ایران هم اطلاعیه ای صادر کرد و اعلام کرد که اعتصاب پایان یافته. بعد از آن شاهد بودیم که عده ای از نیروهای چپ و فعالین سیاسی این اتحادیه را آماج حملات خودشان قرار دادند و آن را هم اعتصاب شکن نامیدند. و کماکان این بحث ادامه دارد. آیا در این مورد نکته ای دارید؟

حمید تقوائی: این حمله هم کاملا بی پایه است. همانطور که گفتم زدن انگ اعتصاب شکنی به هر کسی بجز ایادی جمهوری اسلامی و تشکلهای زرد وابسته به او نشانه نهایت بی درایتی سیاسی و نشناختن واقعیات است. شاید نوعی تسویه حسابهای خرد و کوته بینانه هم در این میان نقش داشته باشد.

اتحادیه آزاد بر اساس بیانه مجمع نمایندگان مبنی بر اینکه ادامه مبارزه را به ما واگذار کنید و از تجمع خودداری کنید و بقول خوشان ٤٨ ساعت بعد از دریافت این بیانیه خبر رسانی کردند و پایان اعتصاب را طی اطلاعیه ای اعلام کردند. اتحادیه این را گفت و بر آن پافشاری کرد و در نتیجه از جانب کسانی که گفتم اصلا تصویر واقعی ای از اعتصاب و افت و خیزهای آن ندارند آماج حمله قرار گرفت. اتحادیه آزاد فقط اطلاع رسانی کرده بود اما کسانی که از پیام خوشحال نبودند شروع کردند به حمله به پیام رسان! به نظر من پاسخ این حمله ادامه گزارشدهی از روند تحولات هفت تپه بود. بعد از این اطلاع رسانی و وقتی معلوم شد عده ای از کارگران خواهان ادامه اعتصاب هستند، عده ای سر کار نرفته اند و تعدادی از نمایندگان هنوز دارند مشورت و رایزنی میکنند و اعلام کرده اند که مشغول بحث در این مورد هستیم، و بعد یک تجمع اعتراضی با خواست آزادی بخشی سازمان دادند، میشد تصویر واقعی تری از تحولات اعتصاب هفت تپه بدست داد. اینطور نبود که همه به سر کار برگشته اند به شکلی که مثلا اعتصاب در کشورهای غربی تمام میشود. به نحوی که مثلا ث.ژ. ت در فرانسه و یا آ. گ. متال در آلمان و یا تریدنیونیونهای انگلیس اعتصابی را تمام میکنند و بعد هم سر کار و زندگی عادی و متعارفشان در محل کار برمیگردند. این اتفاق نیفتاد و در کشوری مثل ایران که تشکلهای توده ای کارگری وجود ندارد تقریبا هیچوقت این اتفاق نمی افتد. بنابرین اعلام قاطع اعتصاب تمام شد و همچنان بر آن پافشاری کردن همه واقعیت را منعکس نمیکرد. میبایست این تصویر تکمیل میشد و گزارش میشد که بدنبال بیانیه مجمع نمایندگان بحث و رایزنی ادامه دارد و عده ای به تجمع و اعتصاب ادامه دادند.

اما مستقل از این نکات، در هر حال این نوع حمله ای که به اتحادیه آزاد میشود حمله ایست اساسا غیر سیاسی، غیراصولی و غیر مسئولانه که حسابگریهای خردی پشت آنست. اتهام اعتصاب شکنی زدن به اتحادیه آزاد که یکی از سازمانهای مهم و موثر و فعال جنبش کارگری هست برخوردی بغایت عقب مانده است که همانطور که گفتم خواه ناخواه آب به آسیاب رژیم میریزد.

خلیل کیوان: اعتصاب کارگران هفت تپه در جنبش کارگری و در فضای جامعه تاثیرات بسیار مهم و پایداری باقی گذاشته. آیا ختم اعتصاب تاثیری بر این جایگاه مهم اعتصاب و دستاوردها و نتایج آن خواهد داشت؟ در مورد سیر آتی مبارزه کارگران هفت تپه چه فکر میکنید؟

حمید تقوائی: به نظر من دستاوردها و پیشرویهای اعتصاب هفت تپه قابل بازپس گرفتن نیست. دستاوردهای این اعتصاب، شکل و شیوه مبارزه کارگران هفت تپه و سیر و روند آن در آینده هر چه باشد، محو نمی شود و بزیر سئوال نمی رود. تاثیرات مثبت این اعتصاب نه تنها در هفت تپه بلکه در جنبش کارگری و در کل جنبش انقلابی در ایران کاملا محسوس و قابل مشاهده است. من اینجا به چند نکته در این رابطه اشاره میکنم.

اولین و شاید مهمترین نتیجه مطرح شدن شورا است بعنوان ارگان اداره جامعه. کارگران هفت تپه در مورد خود شرکت نیشکر هفت تپه اداره شورائی را مطرح کردند ولی این شعار فراتر رفت. دانشجویان هم امروز همین را اعلام میکنند. خواست دانشجویان و مردم این نیست که فقط نیشکر هفت تپه شورائی اداره بشود بلکه بحث بر سر اداره شورائی جامعه است. به این معنی که امور باید در دست خود مردم باشد. اداره شورائی یعنی ما حکومت آقا بالا سر، حکومت هزار فامیل، حکومت بیت رهبری و آیت الله های میلیاردر و کلا دم و دستگاه جدا از مردم و بالای سر مردم را نمیخواهیم. یعنی ما مردم میتوانیم و باید امور را در دست بگیریم. چرا کارگران هفت تپه این را اعلام کردند؟ این از کتابها و از نظرات استخراج نشده است. تجربه عینی و واقعی کارگران در شرایط انقلابی شورا را مطرح میکند. همانطور که در انقلاب اکتبر دیدیم. همانطور که در انقلاب ٥٧ دیدیم. در این تجربه ها از پیش صحبتی از شورا در میان نبود و با این حال در روند انقلاب شوراها وسیعا شکل گرفتند.

امروز جامعه ایران متفاوت است. از ٥٧ تا امروز جنبش شورائی وجود داشته و حزب ما بخصوص پرچمدار این جنبش بوده و مدام بر اهمیت و نقش شورا و مجمع عمومی تاکید میکرده است. ولی اگر حتی این هم نمیبود شرایط انقلابی همانطور که در ٥٧ دیدیم و همانطور که در انقلاب اکتبر دیدیم شوراها در دستور جنبش کارگری و جامعه قرار میداد. چرا؟ چون توده مردم به این حقیقت پی میبرند که این کسانی که بالای سرشان به اسم مدیر و رئیس و کارفرما و وزیر و وکیل و غیره حکومت میکنند دیگر لیافت و توان اداره جامعه را ندارند. اینها یک مشت مفتخور فاسد هستند که از ثمره دسترنج آنها میخورند و میبرند و جیبهایشان را پر میکنند اما در برابر کارگر میگویند نمیتوانیم، بودجه نداریم، ورشکت میشویم، نمیتوانیم حقوقهای عقب افتاده است را بدهیم و غیره. این وضعیت همیشه بوده است، ولی شرایط انقلاب این را عریان میکند که این بالائی های مفتخور دیگر توان و لیافت حکومت کردن و ادره کارخانه و جامعه را ندارند. و بنابرین کارگر بلند میشود و میگوید خودم در دست میگیریم. اسماعیل بخشی بعنوان سخنگوی کارگران هفت تپه بارها اعلام کرد که مگر ما کارگران چه مشکلی داریم که نتوانیم شرکت را اداره کنیم. هر روز در محل کار هستیم، به تمام زیر و بم کار آگاهیم، تولید در دست ماست، و میتوانیم اداره کارخانه را هم ما در دست بگیریم. و این ایده اداره شورائی در شرایط انقلابی عمومی میشود. در ٥٧ ما شاهد بودیم که شوراها فقط در کارخانه ها شکل نگرفت. جنبش کارگری راس جنبش شورائی بود وامروز هم اینطور است. در ٥٧ همه جا، در دانشگاه ها و در مدارس و در ادارات و حتی در ارتش شوراها تشکیل شده بود و همه از اداره امور بوسیله شوراها صحبت میکردند و همه آزدی را با شورا تداعی میکردند و تعریف میکردند و نه با پارلمان و مجلس و غیره. امروز هم این دارد اتفاق می افتد. با این تفاوت که در ٥٧ در ماههای آخر انقلاب و بعد از سقوط شاه شوراها همه گیر شد و امروز از همین اولین گامهای جنبش انقلابی شاهد طرح شوراها هستیم و مبارزه و اعتصاب هفت تپه تجسم ای حقیقت است. تجسم این واقعیت هست. به نظر من این بهیچوجه به هفت تپه محدود نخواهد ماند و گفتمان و خواست اداره شورائی همه گیر خواهد شد. کارگران هفت تپه پیشتاز و پیشگام این حرکت هستند و این یکی از مهمترین دستاوردهای مبارزه و اعتصاب کارگران هفت تپه است.

یک دستاورد دیگر این مبارزه این بود که کارگران هفت تپه یک شهر را با خودشان به حرکت درآوردند. شهر شوش در حمایت از اعتصاب کارگران به حرکت درآمد و در میدان مبارزه، در خیابان در کنار کارگران قرار گرفت. مدارس تعطیل شد. حتی بازاریان در حمایت از اعتصاب کارگران دست از کار کشیدند. و این تحول مهمی در جامعه بود.

نکته بعد نقش خانواده های کارگران است. همسران کارگران به اعتصاب و تجمع خیابانی آنها پیوستند و در جلوی صف قرار گرفتند و سخنرانی های پرشور کردند. همچنین اعلام حمایت متقابل کارگران و دانشجویان را شاهد بودیم و همبستگی و اتحاد کارگران اعتصابی فولاد اهواز با کارگران نیشکر هفت تپه را. اینها همه دستاوردهای غیر قابل انکار مبارزات هفت تپه است مبارزت کارگران هفت تپه هر افت و خیزی پیدا کند این دستاوردها قابل پس گرفتن نیست و تاثیرات مثبتش را در ادامه مبارزات کارگران هفت تپه خواهیم دید و در ادامه مبارزت جنبش کارگری و کل مردم ایران.

در مورد سیر آتی مبارزات کارگران هفت تپه باید نه تنها به این دستاوردها، بلکه به مکان و جایگاه این مبارزات در جنبش کارگری و در کل جامعه توجه کرد. در روند اعتصاب کارگران هفت تپه موج حمایتی وسیعی از مبارزه آنان در ایران و در کشورهای غربی شکل گرفت. بخصوص دستگیری اسماعیل بخشی به مساله مهمی تبدیل شد که میتوانم بگویم صدها نهاد و چهره فعال در جنبش کارگری و در جنبشهای مختلف، معلمان و بازنشستگان و دانشجویان و هنرمندان و نویسندگان و کلا فعالین اجتماعی در عرصه مبارزات مدنی و جنبشهای اجتماعی و غیره را بمیدان آورد. اینها علنا و صریحا و به اشکال مختلف خواستار آزادی بخشی شدند و از مبارزات هفت تپه حمایت کردند و بیانیه دادند، طومارهای حمایتی منتشر کردند و امضا جمع کردند، و به این ترتیب حرکت بزرگی شکل گرفت که دامنه اش به خارج کشور هم کشیده شد. میخواهم بگویم جایگاه و اهمیت اعتصاب هفت تپه از خود هفت تپه بسیار فراتر رفت و حالتی سراسری پیدا کرد. این تاثیرات در خود هفت تپه هم منعکس میشود و به کارگران هفت تپه روحیه میدهد و امید میدهد و اعتماد به نفس میدهد.

مبارزه کارگران هفت تپه الان بر متن مبارزات مردم ایران و بر متن حمایت جهانی از این اعتصاب معنی پیدا میکند و ازینجا نیرو میگیرد و بر این متکی است. به همین خاطر من فکر میکنم مبارزه کارگران هفت تپه همچنان ادامه پیدا خواهد کرد حتی اگر به شکل ادامه خطی این اعتصاب نباشد و به اشکال دیگری به پیش برود.

نکته اصلی آنست که مشکلات هفت تپه هنوز حل نشده است. مسائلی مثل عدم پرداخت تمام دستمزدهای معوقه و دزدی و فساد کارفرما و مدیریت و مخالفت کارگران با مافیای اقتصادی هنوز پا برجاست. اعتراض کارگران هفت تپه به خصوصی سازی به این خاطر نیست که کارگران از دولتی شدن دل خوشی دارند. بلکه میخواهند این دار و دسته فاسدی که به اسم بخش خصوصی آمده و بر هفت تپه چنگ انداخته است را از سر راه جارو کنند. کارگران اعلام کردند که حتی وقتی شرکت دولتی شد میخواهند اداره آنرا خودشان در دست بگیرند.

پیگیری این خواستهای عاجل و برآورده نشده بر متن همبستگی و اتحادی که در حمایت از مبارزات و خواستهای آنان در جامعه شکل گرفته است به کارگران نیرو میدهد، آنان را در موقعیت تعرضی قرار میدهد و باعث میشود مبارزه هفت تپه ادامه پیدا کند.

خلیل کیوان: در مورد تاثیرات اعتصاب کارگران هفت تپه نکاتی را گفتید. که من با شما موافقم. نکات بسیار دیگری هم هست. این اعتصاب میتواند موضوع سمینارها و کتابها و سخنرانی های متعددی باشد. یکی از مواردی که مایلم اینجا از شما سئوال کنم این هست: شما در سخنرانی اختتامیه پلنوم کمیته مرکزی حزب که هفته پیش برگزار شد به این نکته اشاره کردید که کارگران هفت تپه و همینطور فولاد اهواز پرچمدار اتحاد صفوف مردم شدند. کارگران فارس، لر،عرب، بختیاری و غیره در کنار هم مبارزه کردند و حتی اشاره کردید که سرود واحدی به چند زبان در حمایت و بزرگداشت مبارزه کارگران در مدیای اجتماعی منتشر شد. و به ای معنا کارگران در مقابل تفرقه افکنی های ملی و قومی پرچم واحدی را بلند کردند. مایلم این را بیشتر توضیح بدهید.

حمید تقوائی: بله این هم نکته مهمی است. من در سخنرانی پلنوم به این موضوع همبستگی کارگران اشاره کردم و این مهم است بخصوص وقتی می بینید نیروهای راست قومگرائی و ملی گرائی و شقه شقه کردن جامعه بعنوان یک کشور " کثیر الملله" را عَلَم کرده اند. اینها مدعی اند ایران کشوری کثیر الملله است و آذری ها و کردها و بلوچها و عربها و لرها و غیره هر یک باید در استان و منطقه خود حکومت فدرالی خودشان را داشته باشند. گویا جامعه ایران جامعه ای است متشکل از هویتهای قومی ملی مختلف و باید مناسبات بین آنها را تعریف و تنظیم کرد.

یک هدف و نتیجه این تقسیمبندیها تفرقه افکنی در صفوف کارگران است. به اسم حقوق اقلیتهای ملی حساب کارگران را از هم جدا میکنند. هفت تپه عملا نشان داد که جواب کارگر به این تمیهدات چیست. کارگران فارس و کرد و عرب و لر و بختیاری و غیره در کنار هم قرار گرفتند. هم در هفت تپه اینطور بود و هم در فولاد اهواز. میدانید که ناسیونالیستهای عرب مثل گروه الاحواز یک پای دیگر معادله هستند که در کمپ اپوزیسیون راست بر هویت عربی میکوبند.

جواب کارگر هفت تپه در سرودی منعکس است که با چند زبان و لهجه مختلف خواستهای واحد کارگران را فریاد میزند. کارگران در تمام دوره یک ماهه اعتصابشان در کنار یکدیگر بودند و هیچ بحث و هیچ اختلافی و هیچ برخوردی بین کارگران با زبانها و گویشهای مختلف را ما شاهد نبودیم. بلکه برعکس همه کارگران یکدل و یکپارچه در کنار هم ایستادند و بر خواستهای انسانی و یکسانشان تاکید کردند. و این هم یک مدل و الگوئی هست در برابر کل جامعه ایران. امروز که نیروهای راست چه در خود حکومت و چه در اپوزیسیون به انحای مختلف برهویتهای ملی مذهبی و قومی و بر تفاوتها تاکید میکنند، بر جدائی ها تاکید میکنند و گفتمانشان اینست که ما از اقوام و ملیتها و مذاهب مختلف هستیم، کارگر در مقابل این وضعیت عملا اعلام میکند عرب و لر و فارس و کرد درد و خواست مشترکی دارند و مردم ایران هم از این همبستگی نیرو و الهام میگیرند. من در پلنوم گفتم کارگران الگو بدست میدهند. این رهبری کردن با الگو دادن به جامعه است. کارگر عملا به جامعه این خط و این جهت را نشان میدهد که باید همه مردم ایران مستقل از هویتهای ملی و مذهبی و قومی که به آنان منسوب شده در کنار هم بایستند بخاطر اینکه خواستهای انسانی فراگیر است و اساس اتحاد همین خواستهای جهانشمول و مشترک همه انسانهاست. آزادی، رفاه، عدالت، برابری و برخورداری از یک زندگی انسانی درخور شان انسان قرن بیست و یکم آرمان همه مردم است. شعارهای کارگران در هفت تپه و در همه جا علیه حقوقهای نجومی و فلاکت عمومی و علیه این بساط فساد و دزدی و چپاول و کیفر خواستی که با شعار "کشور ما دزدخونه است توی جهان نمونه است" علیه کل وضع موجود اعلام میکنند، اینکه اداره امور را خودمان در دست میگیریم، اینکه پرچم شوراها و اداره شورائی جامعه را بلند کرده اند، اینها خواستهائی است که دیگر فارس و عرب و کرد و بلوچ و بختیاری و شیعه و سنی و این قوم و آن قوم نمی شناسد. اینها خواستهای همه مردم ایران است و امروز کارگران این اتحاد را نمایندگی میکنند. و این به نظر من یکی از دستاوردهای دیگر اعتصاب هفت تپه و همینطور فولاد اهواز هست.

خلیل کیوان: بعنوان آخرین سئوال میخواهم از شما بپرسم که مبارزه کارگران هفت تپه در چه اشکالی میتواند ادامه پیدا کند و چطور میتواند به پیش برود؟

حمید تقوائی: به نظر من رمز پیشروی و پیروزی این مبارزه اینست که حمایت بخش هر چه وسیعتری از جامعه را جلب کند. تا کنون هم در همین جهت به پیش رفته است. این حمایتها باید بیشتر گسترش پیدا کند. همانطور که گفتم خواستهای کارگران هفت تپه صرفا خواست آنها نیست، خواست همه کارگران ایران است و در سطح عمومی تری خواست همه مردم ایران است. و این مبنای عینی جلب حمایت وسیع در جامعه است. از نظر شیوه مبارزه هم تشکیل شورا و مجمع نمایندگان شورا الگوئی هست که میتواند در جنبش کارگری فراگیر و همه گیر بشود و بعد تاثیراتش را در همه جامعه هم ببینیم. اینها به نظر من نه تنها مبارزت هفت تپه را تقویت میکند بلکه کل طبقه کارگر را در مبارزاتش یک گام بزرگ بجلو میبرد.

خوشبختانه اسماعیل بخشی آزاد شد. باید امیدوار باشیم که نجاتی و بقیه دستگیر شدگان هفت تپه هم آزاد بشوند. باید فشارها ادامه پیدا کند تا همه این عزیران ازاد بشوند و این میتواند یک دور تازه ای را، این بار به معنی مثبت کلمه، در مبارزه کارگران هفت تپه آغاز کند. میثم آل مهدی هم آزاد شد و مبارزه کارگران فولاد هم با قدرت به پیش میرود. من فکر میکنم ما شاهد این خواهیم بود که مبارزات کارگری از این دو بخش اصلی فراتر خواهد رفت و بخشهای دیگر جنبش کارگری به این حرکت خواهند پیوست. چون واقعیت اینست که جمهوری اسلامی هیچ راه حل و افقی برای پاسخگوئی به خواستهای مبرم و حیاتی کارگران ندارد و در این شرایط بخشهای مختلف طبقه کارگر به این نتیجه میرسند که خودمان باید آستین بالا بزنیم و امور را خودمان در دست بگیریم. و به این ترتیب این حرکت سراسری و فراگیر میشود. البته در این میان وظیفه نیروهائی مثل حزب ما این هست که این روند را تقویت کنیم و بخصوص بکوشیم که اتحاد کارگران در این تلاطمها حفظ بشود.

این را هم اجازه بدهید بعنوان نکته آخر اضافه کنم. هدف حزب ما در قبال مبارزات جاری کارگران، مانند برخوردی که چندی قبل به مساله سندیکای شرکت واحد داشتیم، قبل از هر چیز اینست که اتحاد و همبستگی کارگران حول یک خط رادیکال و حق طلبانه حفظ بشود. وقتی میگویم کارگران منظورم هم توده کارگر است و هم چهره های جنبش کارگری و نهادها و فعالین جنبش کارگری. متاسفانه در مورد سندیکای شرکت واحد اغلب فعالین جنبش کارگری خوب عمل نکردند. ما آنجا بر تشکیل مجمع عمومی واقعی فراگیر کارگران تاکید کردیم و گفتیم از کشمکشها و اصطکاکهای فردی باید حذر کرد و خواست مشترکی را وسط گذاشت: خواست تشکیل مجمع عمومی واقعی برای احیای سندیکای واحد و انتخاب هیات رئیسه ای که مورد توافق همه و بر رای مجمع عمومی واقعی کارگران متکی باشد.

امروز در مورد هفت تپه هم باید از این دو قطبی کاذب اعتصاب تمام شد یا نشد و کشمکشی که بر سر این درگرفته بیرون آمد و بر ادامه مباره و راههای واقعی پیشروی و پیروزی آن متمرکز شد. این مبارزه دستاوردهای زیادی دارد و یکی از این دستاوردها اتحاد است. اگر اجازه بدهیم که سر همین مساله به نظر من کاذب چگونگی ختم اعتصاب جدل ادامه پیدا کند، این عملا توجه ها را از دستاوردها و راههای پیشروی بیشتر جنبش کارگری منحرف خواهد کرد و به نفع جمهوری اسلامی تمام خواهد شد. یکی از اهداف حکومت این است که میخواهد بین تشکلهای مختلف کارگری و چهره های فعالین این جنبش و همچنین نیروهای چپی که پشت این یا آن میروند اختلاف و کشمکش و جدل ایجاد کند. ما باید هشیار باشیم و از این احتراز کنیم. باید پرچم اتحاد و یکپارچگی کارگران را بلند کرد و نه فقط اتحاد کارگران هفت تپه بلکه همبستگی کل فعالین جنبش کارگری، نهاد ها و چهره های این جنبش با اسماعیل بخشی و با شورای هفت تپه و با مجمع نمایندگان و با مبارزات آنها. باید اصل را بر پیشرفت مبارزه بر سر خواستهای برحق کارگران گذاشت. باید این را دنبال کرد. خواستهائی نظیر گرفتن دستمزدهای عقب افتاده تا مبارزه با فساد مدیران و دستگاه دولتی تا جلوگیری از خصوصی سازیها و اداره کارخانه بدست خود و بسیاری از خواستهای دیگر که هفت تپه و فولاد اهواز مطرح میکند. اینها را باید محور گذاشت. اینها نقاط اشتراک همه کارگران و همه نهادها و چهره های جنبش کارگری است. این بحث پوچ تمام شد یا نشد - که امروز دیگر تماما متعلق به گذشته است- را باید کنار گذاشت. مبارزه ادامه دارد و من امیدوارم با آزادی بخشی این مبارزه ابعاد وسیعتری پیدا کند و با قدرت بیشتری به پیش برود. وظیفه ای که در این میان حزبی مثل حزب ما دارد بلند کردن پرچم اتحاد کارگران است در همه افت و خیزهای مبارزه و جلوگیری از اصطکاکها و کشمکشهائی که فقط میتواند به جمهوری اسلامی کمک کند و بس. در مساله مجمع عمومی و سندیکای شرکت واحد موضع ما این بود و در این مورد هم همین موضع را داریم. در تحولات جنبش کارگری ما تلا ش خواهیم کرد که وحدت همه کارگران را حول یک خط رادیکال وحق طلبانه نمایندگی کنیم.